

فصل نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و یکم، دوره جدید، سال هفتم
شماره چهارم (پیاپی ۲۸)، ۱۳۹۴ زمستان، صص ۳۳-۴۴
تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۶/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۵

تأثیر تجاری شدن تریاک در تغییر وضعیت زمینداری و مناسبات شغلی در دوره قاجاریه

مهدی دهقان حسام‌پور* - مصطفی ندیم**

چکیده

تا پیش از نیمه قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم قمری، کشت تریاک در ایران رواج چندانی نداشت و تولید آن تنها با هدف مصرف داخلی صورت می‌گرفت. از نیمه دوم قرن نوزدهم/سیزدهم قمری، تحت‌تأثیر تحولات اقتصاد جهانی، برخی از محصولات مثل تریاک در کشورهای پیرامونی مانند ایران، به محصولات تجاری تبدیل شد و بر برخی ابعاد اقتصادی این دوره، مانند زمینداری و اشتغال، تأثیر گذاشت. بازار پروتوق جهانی تریاک و سود سرشار کشت خشخاش، موجب شد که تجار و شاهزادگان ثروتمند، با خرید زمین به تولید تریاک بپردازند و بدین صورت، قشر تجار و شاهزادگان زمیندار شکل گرفت. این مسئله گران‌شدن زمین را باعث شد و به‌زودی، زمین به صورت یک کالای سرمایه‌ای درآمد. در بخش اشتغال نیز، افزایش کشت تریاک و نیاز فراوان این محصول به نیروی کار، برای جمع‌آوری، موجب شد افراد بسیاری در این بخش به کار گرفته شوند؛ همچنین سود تجار در پرداخت نقدی دستمزد و نوع خاص این محصول که مصرف‌کردنی برای همه افراد نبود، باعث شد که دستمزد کالایی به صورت نقدی پرداخت شود که این مسئله به مناسبات کارمزدوری یاری رساند. این پژوهش بر آن است که براساس روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع و مآخذ تاریخی، به بررسی رابطه تجاری شدن تریاک و افزایش زمینداری و اشتغال و تبدیل مناسبات کاری، از کالایی به کارمزدوری، در دوره قاجاریه بپردازد.

واژه‌های کلیدی: تریاک، تجاری‌شدن، زمینداری، اشتغال، مناسبات شغلی، دوره قاجاریه.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) md6998@gmail.com

** دانشیار بخش تاریخ دانشگاه شیراز. mostafa_nadim@yahoo.com

مقدمه

اشتغال دوره قاجاریه بررسی کند؛ بنابراین برای واکاوی

این مسئله، دو سوال زیر مطرح شده است:

۱. تجاری‌شدن تریاک چگونه بود و چه تاثیری بر زمینداری دوره قاجاریه گذاشت؟
۲. تاثیر تجاری‌شدن تریاک بر مناسبات کاری و اشتغال دوره قاجاریه چه بود؟

فرضیاتی که در پاسخ به این دو سوال مطرح می‌شود، به شرح زیر است:

۱. در بخش زمینداری، سودآوری چشمگیر تریاک موجب شد تا بسیاری از شاهزادگان و تجار، به سرمایه‌گذاری در بخش زمینداری و کشت این محصول روی آورند؛ همچنین به علت ناتوانی تجار داخلی، در رقابت با تجار خارجی، سرمایه‌گذاری در بخش زمینداری و کشت تریاک به صرفه بود.
۲. سود سرشار تریاک و نوع خاص این محصول، باعث شد تا زمینداران به جای پرداخت محصول تریاک به عنوان دستمزد، به پرداخت نقدی روی آورند. این مسئله به افزایش مناسبات کارمزدوری یاری رساند. از طرف دیگر، نیاز فراوان این محصول به نیروی کار و کشت فراوان آن، به اشتغال‌زایی در دوره قاجار کمک بسیاری کرد.

پیشینه پژوهش

مسئله تریاک یکی از موضوعات مهم دوره قاجاریه است که مانند سایر مسائل اقتصادی و اجتماعی توجه چندانی به آن نشده است. مفصل‌ترین پژوهش درباره تریاک، پایان‌نامه نگارنده است با عنوان «تریاک، علل رواج کشت و آثار آن بر اقتصاد و جامعه ایران در دوره قاجاریه (۱۹۲۵-۱۷۹۵م)» که در آن، به هر دو بعد اقتصادی و اجتماعی تریاک توجه شده است. احمد اشرف و به ویژه احمد سیف، در کنار سایر موضوعات اقتصادی این دوره، به موضوع تریاک به‌طور جزئی پرداخته‌اند. درباره موضوع

اقتصاد ایران تا پیش از قرن نوزدهم میلادی، اقتصادی معیشتی بود. نخستین ویژگی اقتصاد معیشتی، تولید برای مصرف شخصی است و در این نوع اقتصاد، بازار در سایه قرار دارد. بازدهی پایین، کشاورزی سنتی، توجه نکردن به حمل‌ونقل و نبود سرمایه‌گذاری‌های خارجی از سایر ویژگی‌های این نوع اقتصاد است. در قرن نوزدهم میلادی/قرن سیزده قمری، تحولات اقتصادی در غرب با شیئی ملایم و به تدریج سریع، اقتصاد سایر کشورها و به عبارت بهتر، کشورهای عقب‌مانده را تحت‌تاثیر قرار داد. در این وضع، اقتصاد ایران نیز از این تحولات مصون نماند و از ساخت معیشتی خود فاصله گرفت و به اقتصادی نیمه‌معیشتی و شبه‌سرمایه‌داری نزدیک شد.

در بخش کشاورزی، اقتصاد ایران ساخت سنتی خود را از دست داد. تا پیش از قرن نوزدهم، ویژگی اصلی اقتصاد کشاورزی ایران، تولید برای مصرف داخلی و بازار محدود داخلی بود. تحت‌تاثیر تحولات مذکور، اقتصاد ایران رویکردی تجاری در پیش گرفت و به‌طور دقیق‌تر، مناسبات تجاری با تغییرات بنیادین در زیرساخت‌های کشاورزی، بر اقتصاد ایران حاکم شد. در شکل جدید، اقتصاد ایران از تولید محصولات معیشتی، مانند گندم و جو، به سوی محصولات تجاری، مثل تریاک که مورد نیاز بازار جهانی بود، پیش رفت.

تا پیش از نیمه دوم قرن نوزدهم/اواخر قرن سیزدهم قمری، تریاک سهم چندانی در اقتصاد ایران نداشت و تولید آن در دوره صفوی و نیمه اول قرن نوزدهم/قرن سیزدهم قمری، با هدف مصرف داخلی صورت می‌گرفت. در نیمه دوم قرن نوزدهم، تحت‌تاثیر تحولات کلان اقتصادی دنیا، تریاک به محصولی تجاری در اقتصاد ایران تبدیل شد و بر برخی مناسبات، مانند زمینداری و اشتغال دوره قاجاریه، تاثیر گذاشت. این پژوهش برآن است تاثیر تجاری‌شدن تریاک را در وضعیت زمینداری و

این پژوهش که تأثیر تجاری‌شدن تریاک بر وضعیت اشتغال و زمینداری دوره قاجاریه است، این تحقیق برای اولین بار به آن می‌پردازد.

تأثیر تجاری‌شدن تریاک بر زمینداری تجار

زمینداری تاجران پدیده نوظهوری بود که در عصر ناصری، در جامعه ایران پدیدار شد. تا پیش از عصر مذکور، تجار توجهی به زمینداری نداشتند. یکی از علل مهم افزایش زمینداری تجار در عصر قاجار، سیاست فروش زمین‌های دیوانی از سوی حکومت بود. اعتمادالسلطنه در کتاب خود درباره فروش املاک دولتی به تجار ثروتمند این دوره می‌نویسد: «بیع املاک خالصه دیوان اعلی و امناع دولت و رجال مملکت بر حسب اشارت شخص همایونی در این باب تدبیری سخت نافع انگیختند؛ آنکه مزارع و قری و مستغلات دیوان اعلی را به اهل ثروت و مکنت از طبقات رعیت بفروختند و قبالجات صریح و صحیح مزین به خط آفتاب نقط و خاتم خورشید توأم به مشتریان بسپردند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱۷۷/۱). مراغه‌ای نیز به عنوان یکی از مورخان این عصر، در رابطه با مسئله مذکور می‌نویسد: «حال عادت تازه‌ای هم در پیش گرفته‌اند، هر کدام از ایشان که چند تومانی در چنگ خود دیدند املاک می‌خرد، دهکده‌ای می‌گیرد. این یکی دید که آن دیگری دو پارچه خرید خود را محض رقابت او به هزار آتش می‌زند تا آن هم صاحب دهکده‌ای بشود. وضع این مملکت را در امثال این رقابت‌ها بی‌معنی به هیچ مملکتی نمی‌توان قیاس نمود» (مراغه‌ای، ۱۳۸۴: ۱۹۱/۱).

درباره سایر علل روی آوردن تجار به زمینداری، می‌توان به ناتوانی تجار داخلی در رقابت با تجار خارجی و کسب شان و منزلت و نیز سرمایه‌گذاری مطمئن‌تر در مقایسه با سایر بخش‌ها اشاره کرد. آنچه در اینجا موضوع بحث است ارتباط کاشت خشخاش و روی آوردن تجار به

زمینداری است. در واقع سوال این است که آیا ارتباطی بین کاشت تریاک و روی آوردن تجار به زمینداری وجود داشته است؟ فسایی در این رابطه می‌آورد: «و از اشراف و اعیان این محله است [بازار مرغ]: فخرالامثال، سلاله سادات میرزا آقا تاجر، در این چند ساله که متاع تجارت، کاسد و بازار معاملات فاسد گشته از سرمایه خود ضیاع و عقاری در بلوکات فارس خریده‌اند و حصه دیگر را در معاملات تجارت تریاک که نزدیک ده سال است رواجی گرفته، انداخته‌اند و به این جهت این جماعت را تاجر تریاکی گویند» (فسایی، ۱۳۶۷: ۹۸/۲ و ۹۵۶). فلور در این باره چنین می‌گوید که در شیراز بسیاری از بازرگانان بخشی از انرژی خود را صرف کشاورزی می‌کردند یا اینکه به‌طور تمام وقت به ملکداری می‌پرداختند؛ از جمله گروه اخیر، بسیاری در کشت تریاک سرمایه‌گذاری کردند (فلور، ۱۳۶۶: ۱۷۸/۱).

تحویله‌دار نیز که یکی از معاصران این دوره است، درباره زمینداری تجار می‌نویسد: «تجار در این بلد بسیارند و همه معاملات اقمشه و اجناس دارند، این سنوات غالب دست به زراعت برده‌اند و ملکداری هم می‌نمایند» (تحویله‌دار، ۱۳۴۲: ۹۲ و ۹۳). در واقع آنچه مشخص است کشت خشخاش در دستور کار تجاری قرار گرفت که به زمینداری روی آورده بودند و آن‌ها بیشتر از سایر محصولات، به رواج آن پرداختند. علت این امر چیست؟ در عصر قاجاریه، با توجه به سیاست‌های نادرست زمامداران قاجاری و رخنه اقتصادی دولت‌های استعماری روس و انگلیس، ظرفیت تولید و توزیع و صادرات در بخش منسوجات از بین رفت. تجار که معمولاً در این بخش مشغول بودند از یک‌طرف، امکان رقابت با شرکت‌های خارجی در بخش صنعت را نداشتند و از طرف دیگر، هیچ کالا و مصنوعاتی هم برای صدور از کشور وجود نداشت؛ پس تنها راه‌حل را برای حفظ جایگاه خود، در روی آوردن به بخش کشاورزی دیدند.

سرمایه‌گذاری اولیه تجار در بخش کشاورزی که با محصولات نقدینه‌آفرینی مثل تریاک آغاز شد، روزه‌روز بر وسعت زمینداری آن‌ها افزود.

در واقع همراه با به روی آوردن تجار به زمینداری، بازار جهانی تریاک نیز رونقی خوبی گرفت. یوشیدا، سفرنامه‌نویس ژاپنی، در این باره می‌نویسد: «فرآورده‌های ایران قالی و بافته‌های پشمی، پوست بره، شراب، خرما، گیاهی که در رنگرزی به کار می‌رود به نام روناس، پنبه، ساخته‌های قلم‌زنی و پارچه قلمکار می‌باشد. اما چیزی که بازرگانان اروپایی زیاد برایش پول می‌دهند افیون است» (یوشیدا، ۱۳۷۳: ۴۹). آن‌ها سود حاصل از این کالا را باز در خود کشاورزی سرمایه‌گذاری کردند و روزه‌روز، وسعت زمین‌های تجار و تولید تریاک افزایش پیدا کرد.

تحلیل عیسوی هم به عنوان اقتصاددانی نزدیک به عصر قاجار، تاییدکننده مطالب فوق‌الذکر است. او در تحلیل خود می‌نویسد: در نبود بستر عادی، برای رشد یک طبقه بورژوازی ملی و وضعی که با نفوذ روزافزون سرمایه خارجی به وجود آمده بود و نیز، با وجود مناسبات فئودالی در مملکت، طبقه بورژوازی ایران به سوی سرمایه‌گذاری در زمینه کشاورزی روی آورد؛ چراکه محصولات آن، یعنی پنبه و تریاک و غیره، در بازار جهانی خواستار بسیاری داشت. بدین ترتیب، در نتیجه تسلط بانک‌های خارجی، عناصر بورژوازی نوظهور ایران آلت دست سیاست استعماری شدند و به طرف تولید موادخام کشاورزی که مورد نیاز کشورهای سرمایه‌داری بود کشیده شدند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۶۹).

متمم کردن تجار به آلت دست بیگانگان، به علت تولیدکردن موادخام ضروری برای بازار جهانی، تحلیل چندان درستی نیست. حوادث سیاسی و اقتصادی دنیا و ایران به گونه‌ای پیش رفت که این مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر بود و در واقع، تجار ایرانی اگر خود دست به خرید زمین و تولید تریاک و سایر محصولات نقدینه‌آفرین نمی‌زدند

کمپانی‌ها و شرکت‌های خارجی به این کار مبادرت می‌کردند. حتی با وجود سرمایه‌گذاری تجاری داخلی در این بخش، تجار خارجی نیز دست به سلف‌خوری محصولاتی مانند ابریشم و تریاک می‌زدند؛ چراکه قدرت نقدینگی آن‌ها بسیار قوی بود. در نتیجه، به نوعی باید روند زمینداری تجار و کاشت محصولاتی مانند تریاک را مثبت ارزیابی کرد. از طرف دیگر، باید به این نکته نیز توجه کرد که تجار ایرانی برای پرداخت بهای کالاهایی که از خارج وارد می‌کردند نیاز به پول نقد داشتند که با تجارت تریاک، به آن دست می‌یافتند. در واقع، با فروش تریاک بود که می‌توانستند منسوجات و دیگر کالاها را وارد کنند. عواملی مانند سیاست فروش اراضی دولتی و کسب منزلت سیاسی و اجتماعی، از طریق خرید زمین، تجار را در مرحله ابتدایی، به خرید زمین تشویق کرد؛ اما آنچه این روند را تشدید و تثبیت کرد سودآوری سرشار تریاک بود. این سودآوری باعث شد تجار به زمین، به عنوان منبع درآمدی مطمئن نگاه کنند و روزه‌روز، بر وسعت اراضی خود بیفزایند. این روند علاوه‌بر تشکیل طبقه بزرگ زمینداران تاجر در ایران، باعث شد قیمت زمین‌های کشاورزی نیز روزه‌روز افزایش پیدا کند و زمین به کالایی سرمایه‌ای تبدیل شود.

تاثیر تجاری شدن تریاک بر زمینداری شاهزادگان و

حکام

علاوه‌بر تجار و بازرگانان، شاهزادگان و حاکمان قاجاری نیز از فضای موجود که در نتیجه تجاری شدن کشاورزی پدید آمده بود، استفاده کردند. آنان برای کاشت فرآورده‌های نقدینه‌آفرین، به ویژه تریاک، دست به خرید و تصرف زمین‌های کشاورزی زدند. ظل‌السلطان یکی از افرادی بوده که شدت استبداد او زبانزد خاص و عام بود. او در سال‌های پایان سده نوزدهم میلادی، حکمران اصفهان بود و ۶۰ درصد زمین‌های ایالات را در اختیار

۱۰ درصد زمین‌های وقفی؛

۶ درصد متعلق به زمینداران کوچک؛

فقط ۴ درصد متعلق به دربار (رواسانی، ۱۳۶۷: ۶۹). با وابسته‌شدن هرچه بیشتر ایران به بازارهای خارجی و ارزش‌یافتن زمین‌های کشاورزی، تیولداران، اشراف، شاهزادگان، وزراء و نظامیان بر آن شدند که تا حد ممکن، زمین‌های دولتی را به املاک خصوصی خود بدل کنند. مالکان بزرگی که در بیست سال آخر قرن نوزدهم در ایران ظاهر شدند، ترکیبی بودند از تجار و دولتیان زمیندار که هر دو به بازارهای جهانی استعماری وابستگی داشتند. حاج‌سیاح درباره چگونگی زمیندارشدن دولتیان در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه، به رقابت میان آن‌ها با روحانیان و اعیان و روسای ایلات اشاره می‌کند: «هر ملک خوب که در دست کسی در آن ولایت می‌دیدند، به هر وسیله و اجبار و حبس و زنجیر و کتک آن را بخریدن ارزان یا خریدن جزئی و غصب‌بافی یا قبالة گرفتن، به وسایلی تملک نموده در یک سال و دو سال حاکم ولایتی صاحب چند قریه در آن ولایت گردیده» (سیاح محلاتی، ۱۳۴۶: ۴۷۰ و ۴۷۱).

ظل‌السلطان، پسر ارشد ناصرالدین‌شاه، سال‌ها حکمران ایالت اصفهان بود و نزدیک به دو هزار دهکده با یک میلیون جمعیت، در مالکیت خود داشت. او بیشتر این دهات را در بیست و پنج سال پایانی قرن نوزدهم / اوایل قرن سیزدهم قمری، به قهر و از حساب مناصب و غصب زمین‌های دهقانان به چنگ آورده بود. «چنانچه ظل‌السلطان بی‌آنکه هیچ حقی داشته باشد مالکیت خود را به ۱۸۰ جریب زمین‌های همگانی دهقانان روستاهای کرم و کرمچه (که حداقل ارزش آن هشت هزار تومان بود) و دیری بود که از آن دهقانان بود برقرار کرد و آن‌ها را به مالکیت خصوصی خود درآورد» (کولاکینا، ۱۳۵۹: ۵۸). به این طریق، دولتیان زمیندار مانند تجار، در

داشت. او در بیشتر این زمین‌ها پنبه و خشخاش کاشت و از کاشت غلات کاست (کولاکینا، ۱۳۵۹: ۵۸). فسایی از شخصی به نام حاج‌محمدحسین جهرمی، حاکم جهرم یاد می‌کند که «میان تجارت و زراعت و حکومت را جمع نموده، صاحب اموال تجارتي و مالک ضیاع و عقاری وافر گردید» (فسایی، ۱۳۶۷، ۱۲۸۱/۲). افزایش مالکان بزرگ در ایران، بعد از تجاری‌شدن کشاورزی، در نوع خود بسیار جالب توجه است. آنچه مبرهن است بیشتر این مالکان نوظهور، تجار و حاکمانی بودند که تجاری‌شدن کشاورزی، به افزایش قدرت خرید آن‌ها کمک بسیاری کرد. آن‌ها این قدرت خرید خود را در بخش خرید زمین به کار گرفتند که برای آن‌ها تجربه بسیار موفق بود. در سال ۱۸۸۰م/۱۲۹۷ق، تعداد مالکان بزرگ در ایران انگشت‌شمار بود؛ اما در سال ۱۹۰۰م/۱۳۱۷ق، یعنی در طول بیست سال، تعداد این مالکان به چندصد تن و تعداد دهاتی که در مالکیت این اقلیت محدود بود، به چندین هزار رسید. «ثروتشان هم، هزارها دهکده‌ای بود که تلاش کرده بودند آن را برای همیشه به مالکیت خصوصی خود مبدل سازند» (کولاکینا، ۱۳۵۹: ۵۸). نکته بسیار مهم این است که اوج تولید و صادرات تریاک هم مربوط به همین بازه زمانی، یعنی ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۰م/۱۲۹۷ تا ۱۳۱۷ق، بوده است. در فاصله زمانی ۱۸۸۰ تا ۱۳۱۷م/۱۳۱۷ تا ۱۳۱۹ق، تریاک صادراتی ایران به حدود ۳۹۷،۵۹۵ کیلوگرم رسید که ۲۶ درصد کل صادرات را دربرمی‌گرفت و تریاک مقام اول صادرات ایران را به دست آورد (سیف، ۱۳۷۳: ۲۲۵)؛ بنابراین از نظر منطقی هم، این رابطه درخور تبیین و تحلیل است. آمار مالکیت زمین در پایان دوره ناصرالدین‌شاه، نشان‌دهنده افزایش زمین‌های خصوصی، در مقایسه با زمین‌های دولتی بود:

۶۶ درصد در اختیار زمینداران بزرگ، یعنی تجار و حاکمان و شاهزادگان؛

۱۴ درصد در اختیار قبایل و عشایر؛

صدور کالاهای کشاورزی به بازارهای خارجی شرکت کردند و کشت محصولات را توسعه دادند که در بازارهای جهانی خریدار داشت.

تاثیر تجاری شدن تریاک بر اشتغال

واقعیت این است که تریاک علی‌رغم سود سرشار، یکی از پرزحمت‌ترین محصولات کشاورزی بوده و از مرحله کاشت تا مرحله تولید محصول، نیروی کار فراوانی را طلب می‌کرده است. تحویلدار در این باره می‌نویسد: «زراعت خشخاش مخارج و مرارت کلی دارد؛ یعنی یک جریب شاه که هزار زرع مربع باشد پنج تومان خرج قیمت قوت خاشاک و اجرت عمه‌جات یا پازشت کردن و خش زدن دارد بل متجاوز و متداولی عمل هر جریبی نیم من بوزن شاه است» (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۵۴ و ۵۵).

گزارش تحویلدار نشان می‌دهد که تریاک در همان مرحله اولیه که کاشت است، نیاز به نیروی کار فراوان دارد. در عصر قاجاریه، معمولاً اعضای یک خانواده به عنوان نیروی کار، در تولید محصول کشاورزی به کار گرفته می‌شدند. در زمینه کاشت تریاک، با توجه به ویژگی‌هایی که داشت، این نوع روابط کاری، یعنی تامین نیروی کار از اعضای خانواده، کاربرد کمتری داشت و مالکان مجبور می‌شدند برای تسریع کار و کاستن از ضررهای احتمالی، نیروی کار بیشتری به کار گیرند. همین مسئله باعث می‌شد افراد بیشتری، از نیروی کار بیرون خانواده به کار گرفته شوند. این مسئله مهاجرت‌هایی را نیز باعث می‌شد. ویلسون در این باره می‌نویسد: از دیدگاه تاریخی، جابه‌جایی‌های جمعیت در متن جامعه ایرانی، امری غیرمعمول و ناشناخته نبود؛ چرا که جمعیت‌های چادر نشین برای فرونشاندن ناآرامی‌های مرزی متوسل به کوچ اجباری می‌شدند. با وجود این، تا نیمه دوم قرن نوزدهم/نیمه اول قرن سیزده قمری، گرایش روزافزونی به مهاجرت، به ویژه در میان جمعیت غیرمهاجر و

اسکان یافته پدید آمد. مهاجرت‌های فصلی دهقانان و نیروهای کار روستایی که در درجه نخست، در جستجوی زمین‌های کشاورزی بودند، معمولاً در استان شمالی گیلان و تا اندازه‌ای در کشتزارهای تریاک جنوب و مرکز ایران دیده می‌شد (Wilson, 1925: 189).

در اقتصادهای مبتنی بر کشاورزی، معمولاً نوعی بی‌کاری فصلی وجود دارد که در ایران، دو فصل زمستان و پاییز را دربرمی‌گیرد. کاشت تریاک معمولاً در اوایل پاییز بود و کارهای مربوط به آبیاری و کوددادن و وجین کردن آن هم، در اواخر زمستان و اوایل بهار انجام می‌گرفت. در این زمان، معمولاً کارگران خوش‌نشین روستایی، بی‌کار بودند و این بهترین موقعیت برای آن‌ها بود تا بتوانند با کارکردن در مزارع تریاک، درآمد بیشتری کسب کنند. در واقع، تریاک علاوه بر ایجاد اشتغال، بی‌کاری فصلی را نیز تا حدودی تعدیل می‌کرد. بعد از مراحل اولیه مراقبت و نگهداری از خشخاش، نوبت به مهم‌ترین مرحله کاری تریاک می‌رسید؛ یعنی زمانی که ملاکان ارضی مشغول گرفتن تریاک می‌شدند؛ اما نه آنکه خودشان به این کار اقدام کنند، بلکه بعضی از ساکنان یزد بودند که شغل آن‌ها فقط تیغ‌زدن خشخاش و گرفتن تریاک بود و این گروه در همان فصل، هر جایی که بودند خود را به مزرعه خشخاش می‌رساندند و پس از آنکه ملاکان ایشان را اجیر می‌کردند، مشغول گرفتن تریاک می‌شدند (ویلس، ۱۳۶۶: ۳۲۲). نجفی قوچانی هم در این باره می‌نویسد: «در وقت تیغ‌زدن کونار و جمع کردن شیره آن چون مردم بی‌علم بودند، از یزد و کرمان مخصوصاً تریاک‌زدن می‌آمد و مجمع آن‌ها در منزل ما بود و در سال دوم من مهارت در این امور پیدا کردم و همدوش آن‌ها کار می‌کردم» (نجفی قوچانی، ۱۳۵۱: ۵). همچنین تریاک‌کاران حرفه‌ای یزد، به اصفهان فرستاده می‌شدند جایی که وسعت زمین‌های تریاک، سالانه افزایش پیدا می‌کرد (Floor, 2003: 437).

این محصول، روش‌های کاشت و برداشت را نیز از طریق زرتشتیان هند آموختند؛ سپس این فن را در تمام ایران رواج دادند و کمک بسیاری به برداشت بهتر تریاک کردند. علاوه بر زرتشتیان یزد، محمدمهدی اصفهانی نیز در طول سال‌های تجاری خود در هندوستان، روش‌های آماده‌کردن تریاک را یاد گرفته بود. به نظر او، تریاک می‌توانست موفق‌تر از نیشکر باشد؛ پس سعی کرد کاشت این محصول را افزایش دهد. او همچنین، تجربه خود را با دیگر زمیندارانی که شروع به فراهم کردن تکنیک‌های جدید کردند، تقسیم کرد (floor, 2003: 447). اصفهانی همچنین، در کتاب نصف‌جهان فی تعریف‌الاصفهان می‌نویسد: «از سفر هند مراجعت نموده به ایران آمدم و به طرزی که در آنجا آن را آموخته بودم درست نموده که پسند اهل خارجه بشود و عمل زراعت و تجارت آن را جاری نمودم» (اصفهانی، ۱۳۴۰: ۱۲۵). به تریاک مالی به عنوان تخصصی در سیاح فارس هم، از طرف ماموران انگلیسی، اشاره شده است: «شخصی به سیاح رفته بوده به جهت تریاک تیغ‌زدن، در آنجا با رعایای سیاح نزاع می‌کند می‌زنند مشارالیه را مقتول می‌کنند» (وقایع‌اتفاقیه، ۱۳۸۳: ۶۴۲). اگر نگاهی به سایر محصولات کشاورزی، مانند پنبه و برنج و غیره، بیندازیم متوجه می‌شویم این نوع حساسیت‌ها و تخصص‌ها را طلب نمی‌کند؛ اما این موضوع درباره تریاک نسبتاً متفاوت است. این تخصص‌گرایی از یک‌طرف، انحصار ایجاد می‌کرد و باعث می‌شد، اهالی تیغ‌زن تریاک یزد بتوانند مزدهای بیشتری درخواست کنند؛ از سوی دیگر، به نوعی در اینجا بعضی از طلیعه‌های تجاری‌شدن کشاورزی که یکی از آن‌ها تخصص در تولید است، مشاهده می‌شود. بعد از گرفتن شیره تریاک که از طریق تیغ‌زدن به دست می‌آمد نوبت به تریاک‌مالی می‌رسید. آماده‌کردن تریاک از شیره به کیک، برای استفاده نهایی، نسبتاً ساده بود. ترجیحاً این عمل باید زمانی انجام می‌شد

در واقع، این گزارش‌ها نشان می‌دهد که تخصص یکی از الزامات تولید تریاک بود. تیغ‌زدن کوکنار که به منظور گرفتن شیره تریاک انجام می‌شد، در اصل مهم‌ترین مرحله کاری در تولید تریاک بود. به لحاظ وضع آب‌وهوایی، تیغ‌زدن وضع خاصی را می‌طلبد، مانند بارانی‌نبودن هوا. در این مواقع، معمولاً اگر بارشی، هرچند اندک، رخ می‌داد تمام زحمات یک زارع از بین می‌رفت. وقتی که تریاک در گل بود و گلبرگ‌ها در حال پژمرده‌شدن، «کارگرانی به‌طور قاعده‌مند زیر نظر یک سرکارگر یزدی، کسی که فرض است که روش‌های جمع‌آوری تریاک را بهتر از بقیه می‌داند با یک چاقوی سه پر شکافی ایجاد می‌کنند. این عمل را بعد از ظهر انجام می‌دهند. از این شکاف‌ها، تریاک به صورت اشک تراوش می‌کند و تا قبل از طلوع آفتاب، با دقت جمع‌آوری می‌شود. این روند برای بار دوم هم تکرار می‌شود و حتی بار سوم و شاید بار دیگر که به هر حال غیرمعمولی است. خطری که برای محصول تریاک وجود دارد باران سنگینی است که محصول را به صفر می‌رساند؛ چرا که تریاک تراوش‌شده به صفر می‌رسد» (floor, 2003: 443).

آنچه بیشتر از همه جلب توجه می‌کند تخصص اهالی یزد، در تیغ‌زدن تریاک است. اهالی یزد این فن را از چه طریق و از کدام کشور آموخته بودند؟ اگر نگاهی دقیق، به روند رواج کاشت تریاک در ایران داشته باشیم، یکی از کانال‌های اصلی فراگیری این فن، کشور هندوستان است. زرتشتیان مقیم هند که یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان تریاک در هند بودند، به واسطه روابط مذهبی و قومی با زرتشتیان یزد، آن‌ها را به کاشت تریاک در ایران تشویق کردند. در بیشتر گزارش‌های مربوط به این دوره، این مسئله خود را نشان می‌دهد. در واقع، یزد از اولین مناطقی بود که کاشت تریاک برای صادرات را شروع کرد و اهالی یزد همراه با رواج کاشت

که هوا گرم بود. برای آماده و خشک کردن تریاک، آفتاب شدیدی لازم بود (floor, 2003: 445).

برای مالیدن، فرد ماهری به عنوان سرکارگر تعیین می‌شد. با او قرارداد می‌بستند تا حقوق اجاره‌ای، برای هر بسته، پردازد (Ibid, 446). با توجه به ویژگی‌های خاص تریاک، تریاک‌مالی یکی دیگر از مراحل مهم فرآوری تریاک بود. در این مرحله، کسانی انتخاب می‌شدند که اطمینان بیشتری به آن‌ها بود. گزارش‌هایی هم درباره دزدی تریاک، در این مرحله وجود دارد. یکی از خفیه‌نویسان انگلیسی در این باره می‌نویسد: «عبدالحسین شغلش تریاک‌مالی است، قریب سه من تریاک به تدریج از خانه‌ی تاجر دزدیده و به این شخص مقبول می‌داده، او هم به فروش می‌رسانده» (وقایع‌اتفاقیه، ۱۳۸۳: ۲۲۴).

به طور معمول، شرکت‌های اروپایی و تاجر ایرانی تریاک، نمایندگان مخصوص خود را برای این کار به عنوان مراقب نگه می‌داشتند تا آنان از دزدی تریاک جلوگیری کنند و همچنین، افراد نتوانند مواد خاصی را با شیر تریاک مخلوط کنند. طبق معمول تاجر تریاک سعی می‌کردند افراد خانواده خود یا نزدیکان خود را به این کار بگمارند. سختی این کار با شرایط خاص، موجب می‌شد که مزد بیشتری نیز برای آن پرداخت شود. تحویلدار در گزارشی، به ازدیاد جماعت تریاک‌مال اشاره کرده است (تحویلدار، ۱۳۴۲: ۱۱۵). با توجه به حجم گسترده تولید تریاک، در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی/نیمه اول قرن سیزدهم قمری، این دسته از کارگران که به تریاک‌مالان معروف شده بودند سهم چشمگیری در به‌کارگیری نیروی کار داشتند. در واقع، تا قبل از مرحله فروش، سهم به‌کارگیری نیروی کار درخور توجه می‌نماید.

مرحله بعد که روانه‌شدن تریاک برای بازار فروش بود نیز، نیروی کار بسیاری را درگیر می‌کرد. تحویلدار یادآور می‌شود که موقعیت صنف فروشندگان تریاک، با توجه به بازار تریاک که خریداران خارجی پیدا کرده بود و

شغل‌هایی که وجود داشت، اهمیت یافت. موقعیت مغازه‌ای که تجارت جزئی (خرده‌فروشی) می‌کرد و به مصرف‌کنندگان محلی توجه داشت، از موقعیت قدیمی (قبل‌شان) متفاوت نبود (floor, 2003: 441). مغازه‌داران خرده‌فروش قبل از تبدیل شدن تریاک به کالایی تجاری نیز، به این کار مشغول بودند و با اندکی تسامح، باید گفت قطعاً وضعیت آن‌ها بعد از تبدیل تریاک به کالایی تجاری ثابت نماند؛ حتی این امکان وجود داشت که با ظهور تاجر بزرگ، این افراد تحت‌تأثیر آن‌ها رکود بازار خود را شاهد باشند یا این امکان هم وجود داشت که با افزایش مصرف تریاک در داخل، کار آن‌ها رواج بیشتری پیدا کند که احتمال دوم محتمل‌تر بود.

یکی از نتایج توسعه وابسته در ایران، رشد دلالت‌بازی بود. تولید و تجارت تریاک یکی از بخش‌های کشاورزی بود که بعد از تجاری‌شدن کشاورزی، دلالت‌بازی در آن رشد بسیاری کرد. در واقع، برخی تاجر ایرانی که قبلاً به صدور کالاهای صادراتی می‌پرداختند، با وضع پیش‌آمده، به ناچار به دلالت شرکت‌ها و دولت‌های خارجی تبدیل شدند. این دلالت‌ها که در واقع، حلقه واسطه بین بخش‌های تولیدی داخلی و کمپانی‌های خارجی بودند، به جمع‌آوری محصولات تجاری کشاورزی می‌پرداختند. بیشترین سود در این بخش، به جای دهقانان و کشاورزان، به این افراد می‌رسید. این افراد از یک‌طرف راهکارها و وضع بازار را بهتر می‌شناختند و از طرف دیگر، در مقایسه با دهقانان تریاک‌کار، به نحو بهتری می‌توانستند تریاک را به فروش برسانند. واسطه‌ها و دلالت‌ها نیز از آن سود بسیاری می‌بردند؛ «ولی صادرکنندگان شکوه می‌کردند که سود آن‌ها کمتر است و یا اصلاً نیست» (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۶۸).

به‌رحال بیشتر، تجارت تریاک در دست سفته‌بازان و بازرگانان پارسی بود. آن‌ها شیر تریاک را از طریق کشت‌کاران یا خرده‌فروشان پیش‌خرید می‌کردند (floor,

جهت عکس اتفاق افتاد. در ایران، تجاری‌شدن کشاورزی باعث شد که به علت ضعیف بودن سطح تکنولوژی تولید، نیروی انسانی بیشتری به کار گرفته شود. این روند در جهت مخالف تجاری‌شدن اصولی کشاورزی اتفاق افتاد؛ ولی باید آن را فرصت تلقی کرد و نه تهدید. به این علت که اضمحلال بخش مصنوعات، جایی برای ورود نیروی کار کشاورزی باقی نگذاشت و باعث شد به جای انتقال نیروی کار از بخش کشاورزی به مصنوعات، بخش مذکور نیروی کار مازاد خود را روانه حوزه کشاورزی کند. در واقع، بخش کشاورزی که در روند تجاری‌شدن نیروی کار بیشتری را طلب می‌کرد باعث شد بیکاران حوزه مصنوعات بتوانند با پرداختن به محصولات تجاری، به عنوان کارگر یا عامل کشت، از حداقل امکانات معیشت برخوردار شوند. هرچند بخش درخور توجهی از نیروی کار قسمت مصنوعات، به ایالات روسیه مهاجرت کردند و در آنجا، در بخش صنعت و سایر بخش‌ها با کمترین مزد و بیشترین ساعت کاری به کار گرفته شدند. تجارت پررونق تریاک ایران ۱۳۶۱ تَن بود. تعداد مردمانی که از راه کشت خشخاش و تهیه تریاک گذران می‌کردند بسیار چشمگیر بود. تنها در اصفهان، یک‌چهارم مردم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، از راه تجارت تریاک امرار و معاش می‌کردند (ریچاردز، بی‌تا: ۳۶). با وجود اینکه اصفهان بزرگ‌ترین تولیدکننده تریاک ایران بود، درگیری این عده از افراد در روند تولید و آماده‌سازی تریاک بسیار درخور توجه می‌نماید. اگر حتی جنوب ایران را تنها منطقه کاشت کشاورزی فرض کنیم که به طور قطع این‌گونه نبود، سهم اشتغال‌زایی تریاک بسیار درخور توجه است.

تأثیر تجاری‌شدن تریاک بر مناسبات کاری

یکی دیگر از تحولاتی که تجاری‌شدن کشاورزی، به‌طور طبیعی، به همراه آورد تغییر مناسبات کاری بود. در اقتصاد سنتی که کشاورزی آن هم به صورت معیشتی بوده

(440: 2003). شرکت‌های اروپایی صادرات‌کننده تریاک، مثل هوتز و سانس و زیگلر، سعی می‌کردند حتی‌الامکان، با حذف دلان، خطرهای مشکل کیفی را که در نتیجه تقلب در تریاک رخ می‌داد کاهش دهند (Ibid, 440). شرکت‌های اروپایی در صورت حذف دلان ایرانی، می‌توانستند با خرید مستقیم تریاک از کشاورزان سود بیشتری را به دست آورند؛ اما از آن‌طرف، شرکت‌های اروپایی این مسئله را در نظر می‌گرفتند که بدون وجود دلان، ارتباط مستقیم با کشاورزان و تولیدکنندگان مشکل است. وجود دلان در واقع، سود و ضررهایی را برای شرکت‌های اروپایی دربرداشت؛ لیکن به‌طور کلی، سود وجود دلان برای شرکت‌های اروپایی، از نبود و حذف این گروه بیشتر بود. همچنین، همان‌طور که پیش از این بیان شد، یکی از نتایج تجاری‌شدن کشاورزی که تولید تریاک یکی از عوامل اصلی تسریع‌کننده آن بود روی آوردن تجار به زمینداری بود. در این جا، با تجار زمینداری روبه‌رو هستیم که با به‌کارگیری سرمایه خود در تولید تریاک، با افزایش تولید تریاک، تعداد نیروی کار در این بخش را نیز افزایش دادند. فسایی به افرادی مانند فخرالامثال، سلاله‌سادات میرزا آقا تاجر،... که بخشی از سرمایه خود را در کار تجارت تریاک انداختند و به آن‌ها جماعت تجار تریاک می‌گفتند اشاره کرده است (فسایی، ۱۳۶۷: ۹۵۶/۲).

در واقع، تجار تریاک باید مجموعه بزرگی را تشکیل داده باشند که فسایی از آن‌ها با نام جماعت یاد کند. در مجموع به نظر می‌رسد که وسعت و حجم تولید، به روند اشتغال‌زایی کمک بسیاری کرده است. این روند تا حدودی، در جهت مخالف ویژگی کشاورزی تجاری است. در اروپا که تجاری‌شدن کشاورزی براساس ظرفیت‌های درونی و طبق اصول درست به بار نشست، بخش کشاورزی با آزادکردن نیروی کار خود، به رشد صنایع کمک فراوانی کرد؛ لیکن در ایران، این مسئله در

مناسبات کاری به صورت پرداخت قسمتی از محصول تولیدی، یا به عبارت بهتر، سهم‌بری است. در اقتصاد ما بعد سرمایه‌دارانه که یکی از لوازم آن تجاری‌شدن کشاورزی است این مناسبات تا حدودی بسته به درجه و نوع تجاری‌شدن تغییر می‌کند و به صورت کارمزدوری درمی‌آید. سوالی که در اینجا مطرح است: آیا با توجه به اینکه تجاری‌شدن کشاورزی در ایران از نوع خاصی بود این نتیجه را با خود به همراه آورد یا اینکه نتیجه عمل دیگری بود؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این سوال، نوعی دوگانگی را طلب کند. بدین معنی که از یک سو، مناسبات کارمزدی را به دنبال داشت؛ اما این مسئله چندان درخور توجه نبود و شاید بهتر بتوان گفت، این نوع مناسبات کاری در قرن نوزدهم میلادی/دوازده و سیزده قمری، در ابتدای راه بود. اگر بخواهیم حقیقت مسئله را بیان کنیم باید بحث تریاک را جدا و به نوعی، متمایزتر از سایر محصولات نقدینه‌آفرین دیگر، مانند ابریشم و پنبه بررسی کنیم؛ چرا که تریاک از یک سو ماده خوراکی نبود که نیروهای کار بتوانند از آن به عنوان ماده غذایی یا برطرف‌کننده نیازهای اولیه استفاده کنند و از سوی دیگر، کاربرد آن در موارد خاصی بود و بیشتر برای افرادی لازم بود که به آن اعتیاد داشتند یا به عنوان دارو مصرف می‌کردند. همچنین، باید توجه کرد که بیشتر کارگرانی که در تولید محصولات تجاری به کار گرفته می‌شدند از نوع نیروی کار خوش‌نشین (افرادی که در روستاها ساکن بودند؛ اما فاقد زمین بودند و بیشتر از طریق کارگری زندگی خود را می‌گذراندند) بودند. این افراد مجبور بودند مزدکار خود را به صورت نقدی دریافت کنند تا بتوانند مواد غذایی ضروری خانواده خود را تامین کنند. از طرف دیگر، تجار و زمینداران ترجیح می‌دادند با توجه به سودآوری سرشار تریاک، به جای پرداخت جنسی تریاک، به عنوان اجرت کارگران، مزد آن‌ها را به صورت نقد پرداخت کنند. ویلس در این رابطه می‌نویسد:

«عملجاتی که مشغول عمل آوردن تریاک هستند یوماً فیوماً اجرت خود را دریافت می‌نمایند و یا از صندوق‌های تریاک به مقدار معینی به آن‌ها داده می‌شود و اجرت یومیه هر یک از آن‌ها از دو الی پنج قران تجاوز نمی‌کند» (ویلس، ۱۳۶۶: ۳۲۴). اسمیت هم در این رابطه می‌نویسد: مالک با توجه به امکاناتی که در اختیار رعایا قرار می‌دهد بین نصف تا سه‌چهارم محصول تریاک را دریافت می‌کند سهم تریاک کشاورزان می‌تواند به صورت نقدی پرداخت شود (اسمیت، ۱۳۶۹: ۲۲۱).

حقیقت مطلب این است که درباره پرداخت مزد کارگران تریاک در همه مراحل، گزارش‌چندانی وجود ندارد؛ اما منطبق عینی این‌گونه حکم می‌کند که پرداخت مزد کارگران که اکثراً خوش‌نشین (کارگران بدون زمین) بودند، به صورت پرداخت نقدی بوده است. کاتوزیان می‌نویسد: در پایان سده نوزدهم/اوایل سده چهاردهم قمری، محصولات پولی عمدتاً نقدی شده بود. البته تبدیل بهره جنسی به بهره نقدی سرآغاز و نقطه عزیمتی تند محسوب نمی‌شد؛ چون باز هم سهم مالک را محاسبه و به پول نقد تبدیل می‌کردند (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۱۸۹ و ۱۹۰). در سند زیر که حاج محمدحسن امین‌الضرب به برادرش نوشته، آمده است: در خصوص آقامحمدعلی، به شاهرود تلگراف کرده و تنخواه جهت خرید تریاک خواسته بود. خیال دارم دو هزار تومان امانت بفرستم برود قاین خرید کند (اسناد تجارت ایران در سال ۱۲۸۷ ق، ۱۳۸۰: ۹۹). در اینجا به طور مستقیم، به مناسبات کارمزدوری اشاره‌ای نشده است؛ ولی وقتی تجار تریاک را به صورت پولی از زمینداران می‌خریدند، سود زمینداران هم در این بود که پرداخت‌های کارگران خود را به صورت نقدی پرداخت کنند. اگر تجار که خود زمیندار بودند، سهم کارگران و اجاره‌داران را به صورت پولی پرداخت می‌کردند، تریاک بیشتری برای فروش در بازار جهانی داشتند که این خود، سود بیشتری را به دنبال

نوزدهم اتفاق افتاد تحت همین تحولات مذکور بود. تجاری‌شدن تریاک در دوره قاجاریه، تحولاتی بسیاری را به وجود آورد. یکی از مسائلی که در چارچوب تجاری‌شدن تریاک درخور بررسی است، افزایش زمینداری تجار و شاهزادگان و حاکمان قاجاری، در نیمه دوم قرن نوزدهم/اواخر قرن سیزده قمری است. یکی از علل اصلی این امر، افزایش کشت تریاک بود. سود سرشار این محصول از یک سو و سیاست فروش اراضی خالصه از سوی دولت قاجار، باعث شد افرادی مانند تجار و شاهزادگان با روی آوردن به خرید زمین، به کشت این محصول بپردازند. در واقع، زمین به کالای سرمایه‌ای تبدیل شد و قشری به نام تجار و شاهزادگان زمیندار شکل گرفت. تغییر مناسبات کاری و افزایش اشتغال، یکی دیگر از نتایج افزایش کشت تریاک در نیمه دوم قرن نوزدهم بود. کاربرد بودن محصول تریاک و تولید فراوان آن باعث شد افراد بسیاری در این بخش مشغول کار شوند. تاثیر اشتغال‌زایی تریاک به حدی بود که گزارش‌های فراوانی از مهاجرت‌های کاری به مناطق کشت تریاک، مانند اصفهان و یزد، برای کشت و برداشت این محصول در دست است که این خود نشان از افزایش اشتغال است. همچنین، سود سرشار تریاک و نوع خاص این محصول، باعث شده بود زمینداران نوظهور به جای پرداخت کالایی، به پرداخت نقدی روی آورند. این مسئله به تغییر مناسبات کاری، از کالایی به پولی یاری رساند.

پی‌نوشت

۱. نوع خاص منظور آن است که تجاری‌شدن کشاورزی در ایران، به علت وضع داخلی اقتصادی و اقتصاد بین‌المللی مخدوش اتفاق افتاد و مانند اکثر تحولات قرن نوزدهم، بیشتر مصنوعی و شبیه بود تا واقعی.

داشت. هم تجار ایرانی و هم تجار خارجی، در شهرهای داخل و خارج، دلال‌هایی داشتند که این دلال‌ها معاملات آن‌ها را صورت می‌دادند. وظیفه این دلال‌ها: یافتن مشتری، ترتیب معاملات، مشخص کردن شرایط خرید و فروش و تضمین پرداخت‌های طرفین بود. هر گروه از دلال‌ها، در نوعی از کالا مهارت و دخالت داشتند؛ مثلاً در حوالی سال ۱۸۷۷م/۱۲۹۴ق، در اصفهان چهار نوع دلال به قرار دلال چهارپایان، دلال فواکه (میوه‌جات)، دلال مال‌التجاره و دلال تریاک وجود داشت (انصاری‌رنانی، ۱۳۸۰: ۳۶).

افزایش دلال‌بازی که به تبع افزایش تولید تریاک صورت گرفت نیز، یکی از نشانه‌های افزایش مناسبات پولی در عصر قاجاریه است. در واقع، زمانی که دلال‌ها برای پیش خرید تریاک، به کشاورزان و زمینداران مراجعه می‌کردند، تنها از طریق پول نقد می‌توانستند این کالا را پیش خرید کنند و کشاورزان و زمینداران هم در طول دوره تولید محصول، همین پول را به کارگران خود پرداخت می‌کردند؛ چرا که در فصل عمل‌آوری و تولید تریاک که معمولاً در پاییز و زمستان و اوائل بهار بود، محصول کشاورزی خاصی برای پرداخت حقوق کارگران وجود نداشت. اگر به‌طور کلی بخواهیم به این مسئله نگاه کنیم شاهد چرخه‌ای هستیم که ارتباط‌دهنده این چرخه، پول نقدی بود که در تمام مراحل حضور داشت.

نتیجه

در دوره قاجاریه، اقتصاد ایران تحولات بسیاری را پشت سر گذاشت. علل اصلی این تغییر، به تحولات جهانی بازمی‌گشت که در آن اقتصادهای متروپل، به دنبال تغییر اقتصادهایی مانند ایران، برای تامین نیازهای اساسی خود بودند. تجاری‌شدن برخی از محصولات کشاورزی، مانند تریاک که در قرن

کتابنامه

الف. کتاب های فارسی

- . اسمیت، آنتونی، (۱۳۶۹)، ماهی سفید کور در ایران، ترجمه محمود نبی‌زاده، تهران: گستره.
- . اسناد تجارت ایران در سال ۱۲۸۷ قمری، (۱۳۸۰)، به کوشش اصغر مهدوی و ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
- . اصفهانی، محمدمهدی، (۱۳۴۰)، نصف جهان فی تعریف‌الاصفهان، تصحیح منوچهر ستوده، به سرمایه کتابخانه‌های تایید اصفهان و امیرکبیر تهران.
- . اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، (۱۳۶۳)، الماثر و الآثار، به کوشش ایراج افشار، ۴ج، تهران: اساطیر.
- . انصاری‌رنانی، قاسم و قنبرعلی کرمانی، (۱۳۸۰)، تجارت در دوره قاجاریه، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- . تحویلدار، میرزاحسین، (۱۳۴۲)، جغرافیای اصفهان، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- . رواسانی، شاپور، (۱۳۶۷)، دولت و حکومت در ایران، تهران: شمع.
- . ریچاردز، فردردیک چارلز، (بی‌تا)، سفرنامه ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- . سیاح محلاتی، محمدعلی، (۱۳۴۶)، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، بی‌جا: کتابخانه ابن‌سینا.
- . سیاحت شرق یا زندگی‌نامه و سفرنامه آقاجانی قوچانی، به قلم خودش، (۱۳۵۱)، با هتمام و تصحیح: ر.ع. شاکری، مشهد: طوس.
- . سیف، احمد، (۱۳۷۳)، اقتصادی ایران در قرن نوزدهم، تهران: چشمه.
- . عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- . فسایی، حاج‌میرزاحسن، (۱۳۶۷)، فارسنامه ناصری، به تصحیح و تحشیه منصور رستگاری فسایی، ۲ج، تهران: امیرکبیر.
- . فلور، ویلم، (۱۳۶۶)، تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، ۲ج، بی‌جا: بی‌نا.
- . کولا کینا، لودمیلا، (۱۳۵۹)، استیلای امپریالیسم بر ایران، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: علم.
- . مراغه‌ای، حاج‌زین‌العابدین، (۱۳۸۴)، سیاحتنامه ابراهیم‌بیگ، ۳ج، به کوشش م.ع. سپانلو، تهران: آگاه.
- . رضوی، سیدمحمدحسن، (۱۳۷۷)، خاطرات نواب وکیل، به کوشش اکبر قلم‌سیاه، یزد: گیتا.
- . ویلس، چارلز جیمز، (۱۳۶۶)، تاریخ اجتماعی ایران، ترجمه سیدعبدالله انوار، تهران: طلوع.
- . وقایع‌تفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری، (۱۳۸۳)، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: آسیم.
- . کاتوزیان، همایون محمدعلی، (۱۳۷۹)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامییز عزیزی، ۷ج، تهران: مرکز.
- . یوشیدا، ماساهارو، (۱۳۷۳)، سفرنامه، ترجمه هاشم رجب‌زاده با همکاری نی‌ئی‌یا، مشهد: آستان قدس رضوی.

ب. کتاب های لاتین

- . A.T.Wilson (1925) " The opium Trade through Persian Spectacles/ " The Asisatic Review/ Vol. 21 .Floor, Willem(2003), Agriculture in Qajar Iran, Washington, Mage Publishers.